

## چندمعنایی افعال حوزه شنیدن در زبان فارسی: بررسی در زمانی، پیکره‌ای و شناختی

آیدا عظیمی\*

آزیتا افراشی\*\*

### چکیده

در این پژوهش ابتدا معانی افعال حوزه شنیدن را به شیوه کتابخانه‌ای در فرهنگ‌های لغت یافتیم و فهرستی از معانی افعال حوزه شنیدن فراهم آوردیم و برچسب‌های معنایی دسته‌بندی شده‌ای را ایجاد کردیم که تمام معانی ذکر شده در فرهنگ‌ها را شامل گردد. سپس شواهد کاربرد این افعال را از پایگاه دادگان زبان فارسی، که پیکره‌ای از متون فارسی است، استخراج و در نرم‌افزار Excel درج نمودیم. با توجه به شواهد فرهنگ‌های لغت و پیکره معاصر، ۱۱ معنی برای فعل "شنیدن"، ۶ معنی برای "شنفتن"، ۳ معنی برای "گوش دادن"، ۴ معنی برای "گوش کردن" و ۵ معنی برای "نیوشیدن" استخراج شد. همچنین با توجه به داده‌های به دست آمده از پیکره تاریخی، ۱۱ معنی برای فعل "شنیدن"، ۱ معنی برای "شنفتن"، ۲ معنی برای "گوش دادن"، ۲ معنی برای "گوش کردن" و ۲ معنی برای "نیوشیدن" استخراج گردید. به عنوان نتیجه، با استفاده از بسامد معانی، نمودار شبکه معنایی فعل شنیدن، گوش دادن و گوش کردن در پیکره معاصر ترسیم شد. از این یافته‌ها می‌توان در فرهنگ‌نگاری، آموزش زبان به غیرفارسی‌زبانان و به منظور مقایسه بین‌زبانی معانی افعال حوزه شنیدن با نتایج سایر پژوهش‌ها در زبان‌های دیگر بهره برد.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران،  
ayda.azimi89@gmail.com

\*\* دانشیار پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران (نویسنده مسئول)،  
a.afraشي.ling@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

**کلیدواژه‌ها:** معناشناسی شناختی، چندمعنایی نظام‌مند، افعال حسی، افعال حوزه شنیدن، پیکره، زبان فارسی

## ۱. مقدمه

افعال حسی در تمام زبان‌های جهان بازنمود دارند. این افعال در حوزه عملکرد حواس پنج‌گانه قرار می‌گیرند. برای نمونه فعل‌هایی مانند شنیدن، گوش دادن، شنودن، شنفتن، به گوش رسیدن، نیوشیدن، گوش سپردن در حوزه فعل‌های حسی شنوایی هستند. مقایسه‌های بین‌زبانی نشان می‌دهد تعداد و تنوع این فعل‌ها در هر حوزه حسی در زبان‌های مختلف متفاوت است. نکته قابل توجه این است که در همه زبان‌ها این فعل‌ها از حوزه‌های حسی ملموس به حوزه‌های انتزاعی بسط پیدا می‌کنند و برای توصیف و بیان مفاهیم ذهنی به کار گرفته می‌شوند. همچنین قابل توجه است که در زبان‌های مختلف چندمعنایی و بسط استعاری در برخی حوزه‌ها بیشتر از حوزه‌های دیگر است. چندمعنایی فعل‌های حسی و بسط مفاهیم آنها به حوزه‌های انتزاعی مطابق آنچه سوییتسر (Sweetser, 1990) و آنتوانو (Ibarretxe-Antuñano, 1999) مطرح کرده‌اند، تابع الگو می‌باشد.

در نگرش شناختی، مفاهیم واژه‌های چندمعنا اعضای یک مقوله هستند که در کانون آن یکی از معانی به عنوان پیش‌نمونه قرار دارد. آنچه گفته شد کاربرد چندمعنایی به مثابه سازوکاری برای مقوله‌بندی در نگرش شناختی است و که بر اساس آن، چندمعنایی پدیده‌ای تصادفی نیست. علاوه بر معناشناسان، رده‌شناسان زبان نیز به این موضوع پرداخته‌اند. با استفاده از راهکارهای تحلیلی جدیدی که مبنای ریشه‌شناختی دارند مشخص شد که چندمعنایی در برخی حوزه‌های مفهومی مثل حروف اضافه، اندام‌واژه‌ها و فعل‌های حسی قاعده‌مند است (افراشی، ۱۳۹۵: ۱۳۳-۱۳۵).

این پژوهش با استفاده از رویکرد شناختی، پیکره‌ای و در زمانی به بررسی چندمعنایی افعال حوزه شنیدن در زبان فارسی پرداخته است و با استناد به پایگاه دادگان زبان فارسی (PLDB) تلاش دارد در پایان، نمودار شبکه معنایی افعال مذکور را ترسیم کند. شیوه کار به صورت کتابخانه‌ای شروع شد، به این صورت که معانی افعال حوزه شنیدن در لغت‌نامه دهخدا (۱۳۳۷)، فرهنگ فارسی معین (۱۳۸۴)، فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۱)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی (حسن‌دوست، ۱۳۸۳) و فرهنگ ریشه‌شناختی افعال فارسی میانه (منصوری، ۱۳۹۴) جستجو شد. در این تحقیق تمرکز بر ۵ فعل حوزه شنیدن

یعنی شنیدن، شفتن، گوش دادن، گوش کردن و نیوشیدن قرار داشته است. در مرحله بعد، به هدف پیدا کردن بافت‌های کاربرد در زبان طبیعی برای افعال حوزه شنیدن به پایگاه دادگان زبان فارسی مراجعه شد. این مرحله به منظور فراهم آوردن ملاکی کاربردی جهت تعیین همه معانی افعال حوزه شنیدن انجام شد. این مرحله از پژوهش، به منظور تهیه فهرست نهایی برای ترسیم شبکه معنایی افعال حوزه شنیدن از اهمیت زیادی برخوردار بود. پس از گردآوری داده‌ها، به تحلیل جملات و تعیین برچسب‌های معنایی برای هر شاهد مثال پرداخته شد. سپس تمام شاهد‌ها در نرم‌افزار Excel درج شد تا امکان تحلیل‌های آماری فراهم آمده و نمودار چندمعنایی ترسیم شود.

در پژوهش حاضر قصد بر آن است تا چندمعنایی افعال حوزه شنیدن بر مبنای داده‌های پیکره‌ای و بر اساس الگوی آنتونانو (1999) و سوییتسر (1990) بررسی شده به این پرسش پاسخ داده شود که در پیکره تاریخی و معاصر در پایگاه دادگان زبان فارسی، افعال حوزه شنیدن از کدام معانی برخوردار هستند؟ همچنین مقایسه معانی افعال حوزه شنیدن در پیکره تاریخی و پیکره معاصر در خصوص تحولات معنایی چه نتایجی را به دست می‌دهد؟

## ۲. مبانی نظری و پیشینه

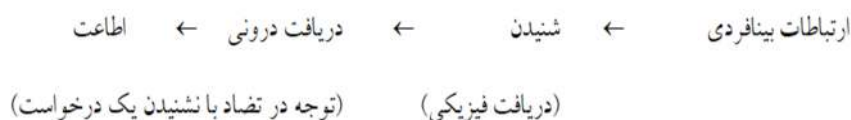
ون هوک (Van Hoek, 1999) در ارتباط با اصول مشترک تمام نظریه‌های مربوط به رویکرد زبان‌شناسی شناختی معتقد است که در این رویکرد معنی یک لفظ، مفاهیمی است که در بافت‌های مختلف در ذهن گوینده یا شنونده فعال می‌شود. وی بر این باور است که "مطالعه معنا دایره‌المعارفی است و نه واژه‌نامه‌ای. در این نگرش واژه‌ها و واحدهای بزرگ‌تر به صورت مدخل‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که با آنها به شبکه‌ای نامحدود از دانش دسترسی پیدا می‌کنیم. برای تفسیر واژه‌ها باید تصورات، استعاره، مدل‌های ذهنی و درک غیرتخصصی از جهان خارج در نظر گرفته شود." مقولات در پارادایم زبان‌شناسی شناختی ساختمان‌د هستند و پیرامون یک پیش‌نمونه و بر اساس شباهت خانوادگی و ارتباط ذهنی سازمان یافته‌اند.

کورات (Kurath, 1921) با بررسی بعضی از زبان‌های هندواروپایی به این نتیجه رسید که واژه‌های مربوط به احساسات در زبان‌های مذکور از الفاظ مربوط به کنش‌های فیزیکی مشتق می‌شوند؛ یا از تجاربی می‌آیند که همراه با این عواطف‌اند. لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson, 1980)، جانسون (Johnson, 1987)، لیکاف (Lakoff, 1987)، سوییتسر

(Sweetser, 1990) و زبان‌شناسان دیگر بر این موضوع تأکید داشته‌اند که الفاظ مربوط به دریافت فیزیکی به صورت استعاری در مورد تجارب درونی بسط می‌یابند. به نظر می‌رسد هم‌بستگی‌ای بین وجوه مختلف دریافت و تجربه درونی وجود دارد. این هم‌بستگی منطقی قابل توضیح است. سوییتسر (Sweetser, 1990) بینایی را به عنوان اصلی‌ترین پایگاه حسی دریافت داده‌های عینی بیان می‌دارد. شنوایی در فهم آنچه گفته می‌شود نقش به‌سزایی دارد و نقش آن در فهم داده‌های زبانی پررنگ است. داده‌های شنیداری حساسیت شنونده را می‌طلبد که این موضوع به صورت استعاری می‌تواند به حساسیت و موافقت و پذیرش ذهنی تعبیر شود.

مقوله‌بندی از جمله ویژگی‌های شناختی انسان است که سامان‌دهی تجربیات وی از جهان را به عهده دارد. مقوله‌بندی در زبان انسان بازتاب می‌یابد و مقوله‌ها با استفاده از الفاظ زبانی که فرهنگ‌وابسته‌اند نامگذاری می‌شوند (افراشی، ۱۳۹۵: ۳۵ و ۳۶). به عقیده لیکاف (Lakoff, 1987) یک مقوله، ساختاری مدور دارد که مفاهیم مختلف واژه در حاشیه و مفهوم کانونی و پیش‌نمونه در مرکز قرار می‌گیرد. به طور فرضی، مفاهیم مختلف واژه بر حسب شباهتی که با پیش‌نمونه دارند، در فواصل مختلفی از مرکز دایره قرار می‌گیرند، حال آنکه تمامی اعضای یک مقوله دارای اشتراکاتی هستند که با عنوان شباهت خانوادگی نامیده می‌شوند. در الگویی دیگر که به وسیله تیلر (Taylor, 1995) معرفی شده است، ساخت معنا به صورت زنجیره‌وار است به طوری که معنای نخست مبنایی برای شکل‌گیری معنای دوم قرار می‌گیرد و به همین ترتیب تا معنای آخر ادامه پیدا می‌کند.

شنوایی مهم‌ترین راه برای دریافت اطلاعات زبانی و تأثیرات ذهنی و عاطفی است. دریافت درونی مفاهیم به معنای فهمیدن آنچه شنیده شده، غالباً با واژه‌های حوزه شنیدن فیزیکی در ارتباط است (Sweetser, 1990: 41). سوییتسر (Sweetser, 1990: 38) افعال حوزه شنیدن را افعالی می‌داند که در ارتباطات زبانی دخیل‌اند. وی در نمودار چندمعنایی، افعال حوزه شنیدن را افعالی برای ارتباطات بین فردی مطرح نموده که به صورت زنجیره‌وار از شنیدن فیزیکی به پذیرش درونی یا توجه بسط می‌یابند. مورد آخر نیز به معنای اطاعت کردن بسط معنایی می‌یابد.



نمودار ۱ ساختار استعاره‌های شنیدن سوییتسر (Sweetser, 1990:38)

به نظر آنتونانو (IbarretxeAntuñano, 1999: 64-68) شنیدن حس مربوط به ارتباط زبانی است و همه معانی آن، چه ذهنی و چه عینی از این الگو تبعیت می‌کنند. از جمله معانی بسط یافته مشترک در سه زبان انگلیسی، باسک و اسپانیایی توجه کردن است. این فعل به خودی خود معنای شنیدن <توجه کردن> اطاعت کردن را القا نمی‌کند، بلکه بافت مکالمه است که موجب شکل‌گیری این معانی شده است. ویژگی شنیدن به عنوان حسی بین‌فردی این معانی را ایجاد کرده است. در زیر جدول بسط معنایی افعال حوزه شنیدن در سه زبان انگلیسی، باسک و اسپانیایی ارائه می‌شود:

جدول ۱ بسط معنایی افعال حوزه شنیدن در انگلیسی، باسک و اسپانیایی (Antuñano, 1999: 68)

اسپانیایی	باسک	انگلیسی	معنا
√	√	√	توجه کردن
√	√	√	اطاعت کردن
√	√	√	مطلع شدن، اطلاع پیدا کردن
√	√	√	فهمیدن
	√		تعلیم داده شدن
	√		موافق بودن

اونس و ویلکینز (Evans and Wilkins, 2000) به رابطه‌ای انعطاف‌پذیرتر میان افعال حسی و شناخت اعتقاد دارند. در زبان‌های استرالیایی برخلاف زبان‌های هندواروپایی، بیشتر از فعل شنیدن بیشتر برای گسترش معنی به سمت "دانستن" و "فکر کردن" استفاده

می‌شود تا از فعل دیدن . به طور خلاصه بسط‌های معنایی برون حوزه‌ای افعال حوزه شنیدن در جدول زیر خلاصه شده است :

جدول ۲ بسط معنایی برون حوزه‌ای افعال حوزه شنیدن به حوزه شناختی در زبان‌های استرالیایی  
(Evans and Wilkins, 2000:572)

زبان‌ها	شنیدن/ گوش دادن	فهمیدن	فکر کردن	دانستن	به یاد آوردن	اطاعت/ توجه
D; K; A; Alywarre	+	+				
Wik Mungkan,	+	+				+
Ngaliwurru, Banjalang, Warluwarra	+	+	+			
Nunggubuyu	+	+	+		+	
Kuk; Luritja	+	+	+			+
Pitjantjatjara	+	+	+	+	+	+
Warlpiri	+	+		+	+	
Yawuru; Wakaya	+	+		+		
Ngarluma	+		+	+		
Yidiny	+		+		+	
Wemba-Wemba; Gugu Yalanji	+				+	
Lardil	+					+

افراشی و صامت (۱۳۹۳) در بررسی همزمانی افعال حوزه شنیدن، با استفاده از الگوی آنتونانو و سوییتسر در صدد یافتن معانی فعل شنیدن بر آمده‌اند. این دو پس از ارائه مثال‌هایی از متون معاصر فارسی، و نیز با استفاده از لغتنامه‌های فارسی، الگوی تیلر ( Taylor, 1995) را برای ترسیم بسط استعاری افعال حوزه شنیدن مناسب‌تر دانستند. معانی بسط‌یافته از حوزه شنیدن در مقاله مذکور شامل: ۱. درخواست توجه کردن، ۲. اطاعت کردن، ۳. موافقت و پذیرش، ۴. بوییدن، ۵. ظن و گمان بردن، ۶. مطلع شدن، ۷. فهمیدن می‌باشد. استفاده از پیکره به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که رویکرد خود را در پیدا کردن معانی متفاوت عینی‌تر و تجربی‌تر کنند. این رویکرد جدید مطالعه معنی‌شناسی واژگانی را

هم از دیدگاه نظری و هم کاربردی پیچیده‌تر می‌کند (Dash, 2008:89). با تحلیل تاریخی پیکره اهمیت این موضوع برجسته می‌شود که برای مطالعه تغییرات معنایی به ابزاری نظیر پیش‌نمونه‌ها محتاجیم. همین‌طور برای مستند ساختن جهت‌های تغییر معنا باید به منابعی همچون پیکره‌های تاریخی رجوع کنیم. از نظر بیکر، هاردی و مک‌انری (Baker, Hardie and McEnery, 2006: 107, 108) از کاربردهای زبان‌شناسی پیکره‌ای، کمک به بالا بردن دقت در واژگان‌نگاری است. با این روش می‌توان به تعداد معانی بیشتری در فرهنگ‌نگاری دست یافت. عاصی (۱۳۸۲: ۲) معتقد است تکیه بر داده‌های واقعی زبان به صورت گسترده‌ای رواج یافته و شرط اساسی بسیاری از پژوهش‌های نظری و کاربردی مانند نظریه‌پردازی و توصیف ساختمان زبان، گویش‌شناسی، دستورنویسی و فرهنگ‌نگاری به شمار می‌آید.

در خصوص پیشینه آثار غیرایرانی مربوط به چندمعنایی افعال حسی در زبان‌های دنیا می‌توان از اثر رده‌شناختی ویبرگ و هرم افعال حسی که به وسیله پرسشنامه و با استفاده از پنجاه‌وسه زبان دنیا انجام داده نام برد. ویبرگ (Viberg: 1984) در اثر خود پنج حس دیدن، شنیدن، لامسه، چشایی و بویایی را به عنوان وجوه حسی معرفی کرده است. هرم افعال حسی که در این اثر ترسیم شده است فعل بینایی را در رأس خود نشان می‌دهد. بر این اساس افعالی که در سطح بالاتری از هرم قرار دارند، امکان بیشتری در بسط معنایی به افعال سطوح پایین‌تر پیدا می‌کنند. تراگوت (Traugott, 1986) در مقاله خود با عنوان "از چندمعنایی تا بازسازی درونی معنی" بر ضرورت در نظر گرفتن چندمعنایی در مطالعات معنی‌شناختی تأکید می‌ورزد. آنتونانو (Ibarretxe-Antuñano: 1997) در اثری بین‌زبانی به افعال حوزه بویایی پرداخته است. وی بسط‌های معنایی افعال حوزه بویایی را ذکر کرده و در صدد تبیین آن است که این بسط‌ها مبنایی شناختی دارند. نیومن (Newman, 1997) در مقاله‌اش نقش اساسی بدن انسان و فرآیندهای فیزیکی در زندگی روزانه را منشأی برای انواع استعاره‌ها می‌داند. وی با مطالعه رمان‌ها و کتاب‌های صد و پنجاه سال اخیر ادبیات آمریکای شمالی و انگلستان به نگاشت‌های استعاری مختلف افعال حوزه خوردن و آشامیدن در زبان انگلیسی پرداخته است. ویرژیبتسکا (Wierzbicka, 1994: 36-38) به نقل از گودارد (Goddard, 1992) از چندمعنایی فعل حسی شنیدن در زبانی استرالیایی از خانواده واتی (Wati) می‌گوید در این زبان واژه kulini هم به معنای شنیدن و هم به معنای فکر کردن به کار می‌رود. این مورد دقیقاً مشابه مورد چندمعنایی دیدن/فهمیدن در زبان انگلیسی است. او در مثالی از یک زبان استرالیایی دیگر به نام آلکانو (Alekanu)، اظهار می‌دارد که واژه‌های به

کار رفته برای "دانستن" و "فکر کردن" با واژه فعل "شنیدن" مشابه است. یکی از نتایجی که روخو و بالزنثولا (López, Rojo and Valenzuela, 2004) در مقاله خود تحت عنوان "افعال حسی: مقایسه انگلیسی و اسپانیایی" می‌گیرند این است که علاوه بر استعاره "فهمیدن"، دیدن است، "استعاره" دانستن، شنیدن است "نیز در مثال‌های پیکره این مقاله یافت می‌شود. روخو و بالزنثولا با بررسی ۲۰۰ فعل حسی از رمان‌های معروف در صدد بررسی این مهم برآمدند که آیا در روند ترجمه، اطلاعات به متن افزوده یا کاسته می‌شود یا خیر. ونهوف (Vanhove, 2008) در تحلیلی تاریخی و همزمانی پس از پرداختن به حوزه افعال حسی نتیجه می‌گیرد که با وجود اینکه بینایی از مهم‌ترین حواس قلمداد می‌شود، اما این افعال حوزه شنوایی هستند که در بررسی ارتباط بین شنیدن و افعال حوزه ادراک ذهنی در زبان‌های دنیا از بینایی سبقت می‌گیرند. جیکوبی و الگوزولی (Jakobi and El-Guzuuli, 2013) بر روی زبان دانگولوی (Dongolawi) که در سودان شمالی صحبت می‌شود تحقیق کرده‌اند. این زبان شاخه‌ای از خانواده زبانی نوبیان است. در دو زبان استرالیایی (که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت) و دانگولوی تنها دو فعل حسی فیزیکی فعالیت محور دیدن (nal) و شنیدن (gijir) که در رتبه بالای هرم وجوه حسی قرار می‌گیرند، به حوزه دریافت غیرفیزیکی گسترش می‌یابند. دیدن به حوزه: الف) شناخت جستاری مثل معاینه کردن، چک کردن، پی بردن، فکر کردن راجع به چیزی و ب) به حوزه تعاملات اجتماعی مانند احوال‌پرسی کردن، ملاقات کردن، دیدار کردن، نگرهبانی کردن و محافظت کردن بسط می‌یابد. فعل شنیدن به حوزه رفتارهای اجتماعی نیز گسترش می‌یابد. برای مثال پندپذیری و قبول نصیحت و اطاعت. هیچ کدام از دو فعل فوق رویداد‌های شناختی مثل فهمیدن، دریافت کردن، درک کردن، دانستن، به یاد آوردن، فکر کردن یا آموختن را واژگانی نمی‌کنند. ایوان ترایس (Treis, 2010) در مقاله خود به طرح دو پرسش پرداخته است که الگوی درون‌حوزه‌ای چندمعنایی در زبان‌های کامباتا و دیگر زبان‌های اتیوپیایی چیست و الگوی برون‌حوزه‌ای افعال حسی و به بیان دیگر ارتباط افعال دریافت فیزیکی و افعال ادراک ذهنی و شناختی چگونه است. نئگو (Neagu, 2013) به نقل از سویتسر (Sweetser, 1990) فعل شنیدن را مرتبط با جنبه‌های برونی و درونی فهم سخن می‌داند. وی معانی زیر را برای فعل شنیدن در سه زبان انگلیسی، فرانسوی و رومانیایی مشترک می‌داند: ۱. توجه کردن ۲. اطاعت کردن ۳. مطلع شدن ۴. فهمیدن، با این توضیح که معانی دیدن بیشتر به جنبه تعقل بسط یافته و معانی شنیدن به حوزه ارتباطی فهم بسط پیدا کرده است.



در خصوص آثار ایرانی مربوط به حوزه چندمعنایی افعال حسی نیز می‌توان آثار زیر را نام برد. فیاضی و دیگران (۱۳۸۷) در مقاله خود با استفاده از داده‌های گفتاری و شنیداری موجود به این نتیجه می‌رسند که "فارسی‌زبانان برای بیان وضعیت ذهنی خود به طور استعاری از افعال مربوط به قالب‌های حسی استفاده می‌کنند." این نگارندگان دو فعل دیدن و شنیدن را بیش از افعال حسی دیگر در گسترش معنایی افعال حوزه درک و شناخت پرکاربرد می‌دانند. مادرشاهیان (۱۳۸۸) با جمع‌آوری داده از فرهنگ انوری (۱۳۸۱) و در چارچوبی شناختی بسط استعاری و چندمعنایی افعال حسی در زبان فارسی را بررسی می‌کند. این زبان نیز مانند بسیاری از زبان‌های هندواروپایی فرآیند مفهوم‌سازی را بیشتر با استفاده از حس بینایی انجام می‌دهد. بحث دیگر در این پایان‌نامه تعیین عضو پیش‌نمونه در واحدهای هم‌حوزه است. شهابی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود پیکره‌ای از افعال حسی را با استفاده از فرهنگ هم‌ایندهای فارسی، فرهنگ جامع پیشرو آریان پور فارسی به انگلیسی، فرهنگ بزرگ سخن، فرهنگ طیفی، پایان‌نامه مادرشاهیان (۱۳۸۸)، پایگاه دادگان زبان فارسی و فارس‌نت تهیه می‌کند و افعال مذکور را پس از دسته‌بندی، در قالب فرهنگی کوچک تدوین می‌کند. سپس با استفاده از این داده‌های گردآمده و الگوریتم لسک در صدد رفع ابهام افعال شناختی برمی‌آید. پورداد و کربلایی صادق (۱۳۹۲) در چارچوبی رده‌شناختی افعال حسی حوزه خوردن و آشامیدن را در زبان فارسی مورد بررسی قرار داده‌اند. گندمکار (۱۳۹۵) در اثر خود سعی در مقایسه معانی فعل خوردن در زبان فارسی با دو زبان اردو و مرآتی دارد. تعدد معنایی فعل مذکور در زبان فارسی در مقایسه با دو زبان دیگر، حتی بدون در نظر گرفتن مواردی که خوردن فعل سبک است، نکته قابل توجه در این مقاله است. مقاله‌ی افراشی و عسگری (۱۳۹۶) با رویکرد معناشناسی شناختی و به روش پیکره‌ای به مطالعه چندمعنایی فعل "دیدن" در زبان فارسی می‌پردازد. نتیجه این است که نگاه کردن معنای پیش‌نمونه برای ترسیم الگو قلمداد می‌گردد. به‌علاوه شبکه‌ی چندمعنایی این افعال ترسیم شده که در فرهنگ‌نگاری و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان کاربرد دارد. افراشی و فتحعلی (۱۳۹۶) نیز افعال حسی حوزه خوردن و آشامیدن را با رویکردی پیکره‌ای و شناختی مورد تحلیل قرار داده و در صدد ترسیم نمودار بسط معنایی افعال مذکور نمونه‌هایی را در متون موجود در پایگاه دادگان زبان فارسی جست‌وجو کرده‌اند.

از جمله آثار داخلی و خارجی مربوط به چندمعنایی افعال حوزه شنیدن می‌توان آثار زیر را نام برد. اونس و ویلکینز (Evans and Wilkins, 2000) در پژوهشی بر زبان‌های بومی

استرالیا، فرضیه جهانی بودن الگوهای چندمعنایی و بسط‌های معنایی را به چالش کشیده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که برخلاف نظر سوییتسر (Sweetser, 1990) مبنی بر گسترش بین حوزه‌های فعل‌های حوزه بینایی به فعل‌های حوزه شناخت، در ۶۰ زبان استرالیایی مورد مطالعه، افعال حوزه شنیدن تمایل بیشتری به گسترش در حوزه مذکور دارند؛ به این صورت که بسط‌های فعل "دانستن" و "فکر کردن" را بیشتر مبتنی بر حوزه افعال "شنیدن" گسترش می‌دهند. افراشی و صامت (۱۳۹۳) با بررسی معنای فعل حسی شنیدن در فرهنگ‌های برجسته و متون فارسی معاصر، تا ۷ معنی برای این فعل یافتند و درصد برآمدند تا با استفاده از الگوی لیکاف (Lakoff, 1987) و تیلر (Taylor, 1995) شبکه معنایی بسط استعاری فعل شنیدن در زبان فارسی را ترسیم کنند. آن دو الگوی تیلر را برای ترسیم الگوی افعال حسی در زبان فارسی کارآمدتر می‌دانند. عظیمی (۱۳۹۹) نیز در اثر خود چندمعنایی افعال حوزه شنیدن را با رویکردی پیکره‌ای، شناختی و درزمانی بررسی کرده‌اند.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی و توصیفی است. نگارندگان با استفاده از کتاب‌ها، مقالات و مجله‌های زبان‌شناسی مطالب مورد نیاز برای پیشینه این پژوهش را استخراج کرده و با استفاده از واژه‌نامه‌ها برچسب‌های معنایی افعال حوزه شنیدن را مورد بررسی قرار داده‌اند تا با استفاده از آنها در مرحله بعد تحلیل داده‌ها را ممکن کنند. سپس با مراجعه به پایگاه دادگان زبان فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، داده‌های مورد نیاز برای این پژوهش فراهم شده است. شاهد مثال‌ها در نرم‌افزار Excel درج شده، برچسب‌دهی شدند و معانی جدید در قالب برچسب‌های جدید مطرح شدند. موارد ذکر شده زمینه را برای تحلیل‌های آماری و ترسیم نمودارهای شبکه معنایی افعال حوزه شنیدن فراهم کرد.

### ۱.۳ گردآوری داده‌ها

اولین مرحله انجام این پژوهش ایجاد فهرست معنی بوده است. به این منظور از لغت‌نامه دهخدا (۱۳۳۷)، فرهنگ فارسی معین (۱۳۸۴)، فرهنگ بزرگ سخن (انوری، ۱۳۸۱)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی (حسن‌دوست، ۱۳۸۳) و فرهنگ ریشه‌شناختی افعال

فارسی میانه (منصوری، ۱۳۹۴) استفاده شد. در این تحقیق تمرکز بر ۵ فعل حوزه شنیدن یعنی شنیدن، شنفتن، گوش دادن، گوش کردن و نیوشیدن می‌باشد. معنای افعال مذکور صرف‌نظر از صورت‌های مرکب، اصطلاحی و کنایی در لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ بزرگ سخن به همراه شواهد استخراج شد. فعل "شنیدن" در فرهنگ بزرگ سخن ۶ معنی، در لغت‌نامه دهخدا ۵ معنی و در فرهنگ معین دارای ۳ معنی است. همچنین پس از بررسی فعل "شنیدن" در فرهنگ ریشه‌شناختی (حسن دوست، ۱۳۸۳) زبان فارسی سه معنی گوش دادن، شنودن، استماع یافت شد که کامل و جامع نیستند. فعل "شفنتن" در فرهنگ بزرگ سخن ۲ معنی، در لغت‌نامه دهخدا ۲ معنی و در فرهنگ معین دارای ۲ معنی است. فعل "گوش دادن" در فرهنگ بزرگ سخن ۴ معنی، در لغت‌نامه دهخدا ۴ معنی و در فرهنگ معین دارای ۱ معنی است. "گوش کردن" در فرهنگ بزرگ سخن ۴ معنی، در لغت‌نامه دهخدا ۵ معنی و در فرهنگ معین دارای ۱ معنی است. معنای دو فعل "گوش دادن" و "گوش کردن" در فرهنگ ریشه‌شناختی موجود نبود که می‌تواند به علت مرکب بودن این دو فعل و به همین سبب وقوع محدودتر در متون قدیمی باشد. نیوشیدن در فرهنگ بزرگ سخن ۳ معنی، در لغت‌نامه دهخدا ۷ معنی و در فرهنگ معین دارای ۱ معنی است. پس از جست‌وجو در فرهنگ ریشه‌شناختی (منصوری، ۱۳۹۴) معنای "نیوشیدن"، گوش دادن؛ فرمان بردن در مدخل شنیدن در فارسی یافت شد. لازم به ذکر است که فرهنگ بزرگ سخن به دلیل به‌روز بودن معانی نسبت به لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین بیشتر مبنا قرار گرفته است. مرحله بعد مراجعه به پایگاه دادگان زبان فارسی با هدف پیدا کردن بافت‌های واقعی از زبان طبیعی برای افعال حوزه شنیدن بود. این مرحله به منظور فراهم آوردن ملاکی کاربردی جهت تعیین معانی مضاعف افعال حوزه شنیدن انجام شد که در جهت تهیه فهرست نهایی برای ترسیم شبکه معنایی افعال حوزه شنیدن از اهمیت زیادی برخوردار بود. پس از گردآوری داده‌ها به تحلیل جملات و تعیین برچسب‌های معنایی مقتضی برای هر شاهد مثال پرداخته شده است. سپس تمامی شاهد‌ها در نرم‌افزار Excel درج گشته تا امکان تحلیل‌های آماری فراهم آید. در زیر طبقه‌بندی این مثال‌ها، برچسب‌های معنایی جدید به همراه یک نمونه شاهد مثال از پیکره تاریخی و معاصر در قالب جدولی ارائه شده است.

جدول ۳ تفکیک معنایی فعل "شنیدن" در پیکره معاصر و تاریخی

برچسب	پیکره	بسامد	شاهد
دریافت صدا به وسیله گوش گوش (به صورت غیر ارادی)	معاصر	۶۰	ماده ۲۱ - در کارگاه‌هایی که بیشتر احتمال بروز حریق می‌رود باید وسایل مخصوص اعلام خطر (آژیر) بکار رود به طوری که در تمام محوطه کار اعلام خطر شنیده شود.
	تاریخی	۱۱	عابد آواز گریه بشنید .
مطلع شدن	معاصر	۴۹	زری شنیده بود اما تا با چشم‌های خودش نمی‌دید باور نمی‌کرد .
	تاریخی	۲۸	و رقعت‌ها روان کردی و آنچه بشنیده بود باز نمودی .
مواجهه و در معرض سخن قرار گرفتن، دریافت کردن	معاصر	۳۴	عاطفه ۵ساله مدام از پدر و مادرش هشدار می‌شنود که باید مراقب دزدها باشد تا به خاطر دو دستبند حلبی، ربوده نشود .
	تاریخی	۴۲	بایزید چون این سخن به کرات از او بشنود گفتای جوانمرد !
معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن (به صورت ارادی)	معاصر	۱۸	اما نمی‌توان یک‌طرفه به قاضی رفت ، باید حرف‌های آن طرف ماجرا را هم می‌شنیدیم
	تاریخی	۱۹	گفتم آیتی بر من خوان تا از تو بشنوم .
دریافت کردن پاسخ	معاصر	۹	سلام دادم و جواب سرد و پرافاده‌ای شنیدم
	تاریخی	۵	در اثنای سخن می‌گفت که بر استاد ابوعلی سینا رحمه‌الله‌علیه چنین خواندم و از وی چنین شنیدم .
شنیدن تصادفی یا استراق سمع	معاصر	۵	می‌شنیدم که درگوشی به هم می‌گفتند: این زن بیچاره چطور تحمل می‌کند
حس کردن و استنباط	معاصر	۴	از وجودم عطر روح‌پرور عشق می‌شنوی
	تاریخی	۱	سهل‌بن عبدالله گوید بوی صدق نشنود هر که مدهانت کند خویشتن را یا کسی دیگر را .
آغاز باب سخن	معاصر	۳	اما بشنومیم از آن طرف که حاکم در لباس درویشی به سیر و سیاحت آب و خاک و مردم بود تا بفهمد رونده و پرنده و چرنده چطور روز را شام و عمر را شب و روز می‌کنند
	تاریخی		
شنیدن ناسزا و حرف ناخوشایند	معاصر	۳	از تحقیری که نسبت به مرشدم شنیدم ، ارادتم به او صدچندان شد . ما در شبانه‌روز به مراتب حرف‌های زجرآورتری را می‌شنوم .

گفت سه تن خود را در رنج دارند آنکه در مصاف خود را فروگذارد تا زخمی گران یابد و بازرگان حریص بی‌وارث که مال از وجه ربا و حرام گرد می‌کند ناگاه به قصد حاسدی سپری شود ، وبال باقی ماند و پیری که زن نابکار خواهد ، هر روز وی سردی می‌شود.	۱	تاریخی	
بازهم آن صدای خفه‌ی پرتین را در درونم شنیدم که به نام صدایم زد.	۲	معاصر	تداعی صدایی که وجود ندارد
هرجا که انعکاس صدای شریعتی طنین داشته ، به قدر و بهره‌گیری از وجهی از وجود فکر او ، او را شنیده‌اند	۲	معاصر	فهمیدن
و گفت الست بر بکم را بعضی شنیدند که نه من خدام و بعضی شنیدند که نه من دوست شمام و بعضی چنان شنیدند که نه همه منم .	۴	تاریخی	
اگر باورت نیست از خدا بشنو « الحَمِّ ذُلُّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ » .	۶۶	تاریخی	نقل قول
نیک طلب می‌کن و باز می‌یاب ، و نگاه می‌دار و از من شنیده می‌باش تادانی.	۱	تاریخی	پذیرفتن یا اطاعت کردن
چون از مال سلطان مجمره‌ای پرعود ساختند از آنجا بگریخت تا آن بوی نشنود ، و دیگر آنجا نشست .	۲	تاریخی	بوییدن

## جدول ۴ تفکیک معنایی فعل "گوش کردن" در پیکره معاصر و تاریخی

معنی	پیکره	بسامد	شاهد
معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن	معاصر	۲۳۱	می‌راند و به موسیقی رادیوی اتوموبیل گوش می‌کرد ، با دست چپ فرمان را....
	تاریخی	۸	آتشک گوش کرده بود و این سخن‌ها می‌شنید
پذیرفتن یا اطاعت کردن	معاصر	۳۹	کاش به نصیحتش گوش می‌کردم.
	تاریخی	۸	مرزبان شاه چون سخن فرزند بشنید و بران گونه او را نالان دید بگریست و گفتای جان پدر و ای فرزند مهربان ، پند آن پیرمرد یاد آور و نصیحت آن گوش کن که پند پیران پذیرفتن همه خرمی حاصل آید .
حوزه علاقه فرد به موسیقی	معاصر	۲	طبیعی است که هر کس بنا به سلیقه ، دانش و بینش‌اش و بنا به کاری که انجام داده و انواع موسیقی که گوش کرده یا چیزی که دنبالش بوده است خط موسیقی‌اش را تعیین و دنبال می‌کند
حس کردن و استنباط	معاصر	۱	بخشی از روند کار یک تهیه‌کننده این است که یاد بگیرد چگونه به صدای درون یک نفر گوش کند .

جدول ۵ تفکیک معنایی فعل "گوش دادن" در پیکره معاصر و تاریخی

معنی	پیکره	بسامد	شاهد
معطوف کردن حسن شنوایی و توجه کردن	معاصر	۱۵۴	گلی می‌آید از تو پنجره تو حیاط به بنا و محمد نگاه می‌کند و آواز بنا را گوش می‌دهد.
	تاریخی	۲	فغفور با مهران وزیر و امرای دولت که حاضر بودند جمله گوش و هوش به وی داده بودند.
پذیرفتن یا اطاعت کردن	معاصر	۳۴	فقط به شرط اینکه کم‌عقلی نکنی و حرف مرا گوش دهی.
	تاریخی	۱	حسین فارسی گوید جری ری گفت هر کی گوش به حدیث نفس داد اندر حکم شهوت‌ها اسیر گردد
حوزه علاقه فرد به موسیقی	معاصر	۴	موسیقی بله موسیقی گوش می‌دهم که اگر این کار را نکنم چه کنم.

جدول ۶ تفکیک معنایی فعل "نوشیدن" در پیکره معاصر و تاریخی

معنی	پیکره	بسامد	شاهد
معطوف کردن حسن شنوایی و توجه کردن	معاصر	۸	تا روح منور نماز را چنان بر شنوندگان بنمایاند که آن را به مثابه سرودی با آهنگ یکتا پرستی بنوشند و بازتاب آن در جای‌جای زندگی‌شان آشکار باشد
	تاریخی	۵	و از ایشان آنک بنوشید سوی تو، آیا تو شنوایی کران را و اگر بودند نه خرد داشتند؟
دریافت صدا به وسیله گوش	معاصر	۴	پیر فرزانه نکواندیش چون صغیری ز عرش بنوشید.
مواجهه و در معرض سخن قرار گرفتن، دریافت کردن	معاصر	۱	تا با گوش‌های خود سخن لغوی ننوشیم و با چشم‌هامان به طرف لهوی نشتابیم و دست‌هامان را به حرامی نگشاییم و گام‌هامان را در امر ممنوعی پیش نگذاریم و تا شکم‌هامان غیر آنچه حلال ساخته‌ای در خود جای ندهد و زبان‌ها مان جز به آنچه تو حدیث کرده‌ای گویا نشود و جز در کاری که به ثواب تو نزدیک سازد زحمت نکشیم و جز آنچه از عقاب تو نگاه دارد فرانگیریم....
فهمیدن	معاصر	۱	اما دقت در سلوک شهروندان ایرانی و جامعه‌شناسی رفتار آنها نشان می‌دهد که گویی بسیاری از آنان، از سعدی تنها نامی را شنیده‌اند و از فرهنگ و اخلاقی که سعدی از آن سخن گفت و عمری برپای آن نهاد، چیزی ننوشیده‌اند.

خانم دکتر یوسفی حرف‌های فراوانی دارد اما سخن چه فایده گفتن که پند نمی‌نوشیم.	۱	معاصر	پذیرفتن یا اطاعت کردن
پس مکر و دستان کردند آن کسها که از پیش بودند، پس خدای برکند بنیادشان از بنیاد - چون صرح نمرود و کوشک‌های حران - فرود اوفتاد بر ایشان آسمان خانه‌شان از زور ایشان، و بیامد بدیشان عذاب از آنجا که ندانستند و نیوشیدند.	۱	تاریخی	

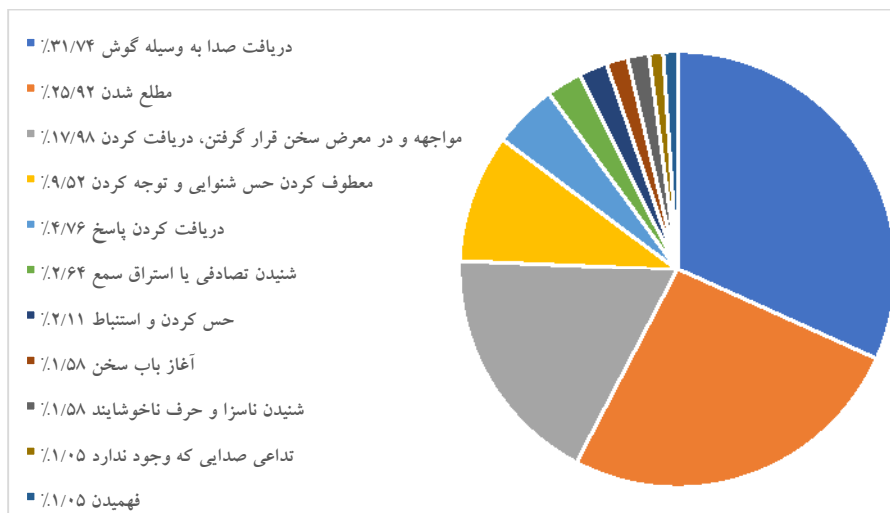
### جدول ۷ تفکیک معنایی فعل "شنفتن" در پیکره معاصر

معنی	پیکره	بسامد	شاهد
معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن	معاصر	۳	همچو پیغامی که کس نشنفته باشد، بود.
دریافت صدا به وسیله گوش	معاصر	۲	گوشش نمی‌شنفت.
مطلع شدن	معاصر	۱	ماه لقا جونم تو خودت شنفتی؟
	تاریخی	۱	و دیگر شنفتیم که ارمنشاه نامه به ولایت‌ها نوشته است و لشکری تمام جمع می‌آورد و نیز قصد آن دارد که خود به مدد فرزند داید با لشکری تمام.
پذیرفتن یا اطاعت کردن	معاصر	۱	تشبیه می‌کردند، یا سرسختی و زور نشنفتن کسی را به بچگی خودش و ....
معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن	معاصر	۱	باید بگویند کمتر گفتن و قدری شنفتن.
بوییدن	معاصر	۲	حتماً بو برنگی شنفته که این وقت روز نشه‌شو خراب کرده

### ۲.۳ تحلیل داده‌ها

پس از بررسی داده‌های مربوط به فعل "شنیدن" در کل پیکره معاصر زبان فارسی حدود ۲۰۰۰ نمونه استخراج شد. پس از حذف موارد غیرقابل قبول، و نیز معانی اصطلاحی و

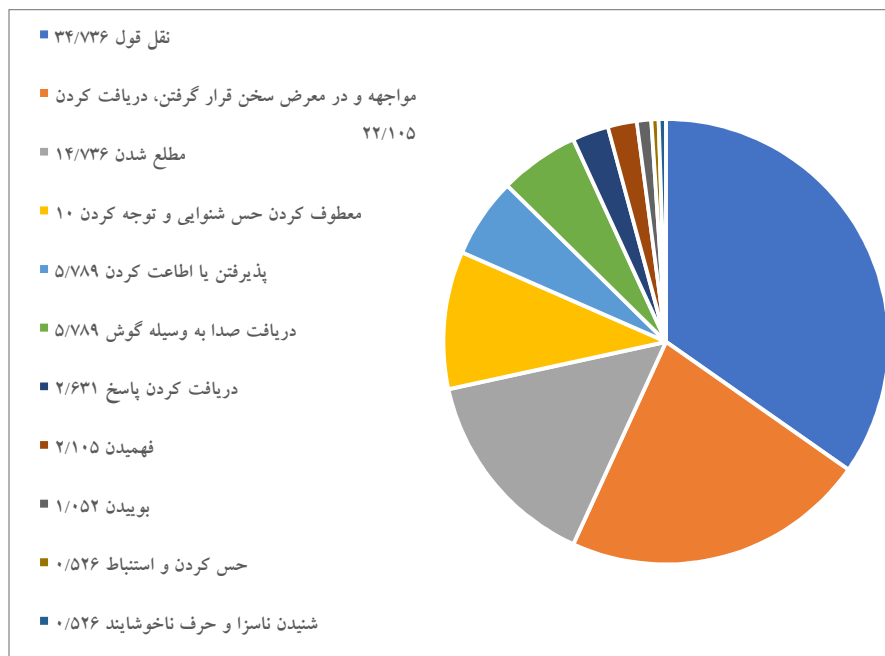
کنایی، ۱۹۰ شاهد را بررسی کرده و به دقت برچسب گذاری نمودیم. نمودار ۲ توزیع فراوانی معانی فعل شنیدن را در پیکره معاصر نشان می‌دهد.



نمودار ۲ توزیع فراوانی معانی فعل شنیدن در پیکره معاصر

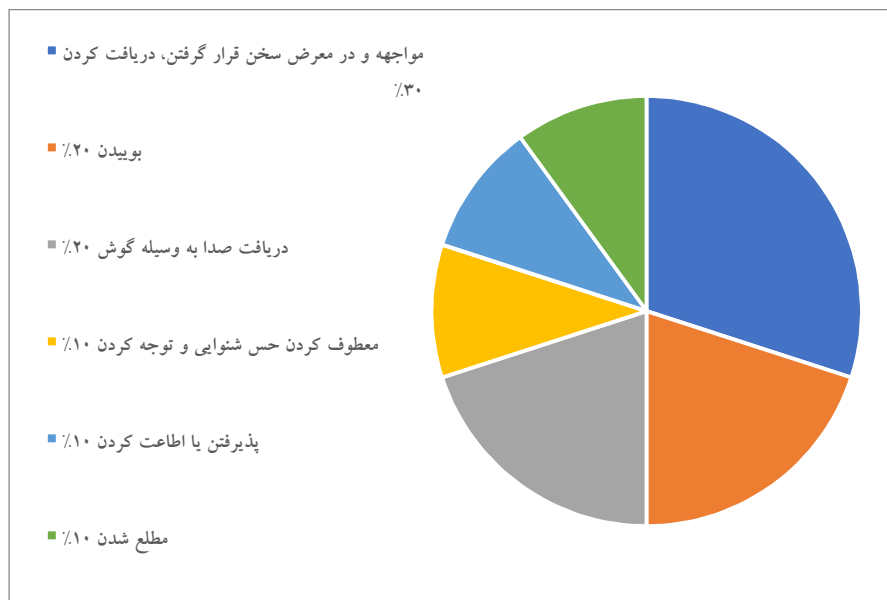
از بیش از ۱۰۰۰ نمونه استخراج شده از فعل "شنیدن" در کل پیکره تاریخی زبان فارسی و پس از حذف موارد غیرقابل قبول، همین‌طور اصطلاحات و کنایات، ۱۹۰ شاهد را انتخاب و بررسی کرده و به دقت برچسب دادیم. نمودار ۳ توزیع فراوانی معانی فعل شنیدن در پیکره تاریخی را بر حسب درصد نشان می‌دهد:





نمودار ۳ توزیع فراوانی معانی فعل شنیدن در پیکره تاریخی

پس از فعل شنیدن، به بررسی فعل "شنفتن" در پیکره فارسی معاصر پرداختیم. شاهد مثال‌های یافت شده برای این فعل در پیکره فارسی معاصر محدود بود و فقط موفق به استخراج ۹ مثال قابل قبول شدیم. برجسب‌های معنایی جهت گزارش معانی موجود در پیکره مذکور شرح داده شده است. نمودار ۴ توزیع فراوانی معانی فعل شنفتن در پیکره معاصر را نشان می‌دهد:



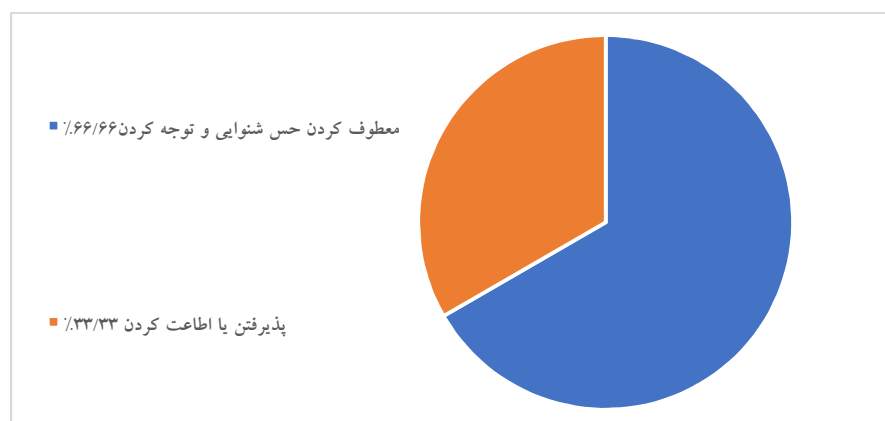
#### نمودار ۴ توزیع فراوانی معانی فعل شنفتن در پیکره معاصر

نتیجه بررسی تنها شاهد مثال موجود در تمام پیکره تاریخی از فعل شنفتن، یافتن برچسب معنایی "مطلع شدن" بود. لازم به ذکر است به علت تعداد ناکافی شواهد این فعل در دو پیکره تاریخی و معاصر امکان تحلیل فراهم نشد. از بیش از ۱۰۰۰ نمونه استخراج شده از فعل "گوش دادن" در کل پیکره معاصر زبان فارسی موارد غیرقابل قبول و معانی اصطلاحی و کنایی را حذف کردیم. در پایان ۱۹۲ شاهد را انتخاب و بررسی کرده و سپس به دقت برچسب گذاری نمودیم. نمودار ۵ توزیع فراوانی معانی فعل گوش دادن در پیکره فارسی معاصر را نشان می‌دهد:



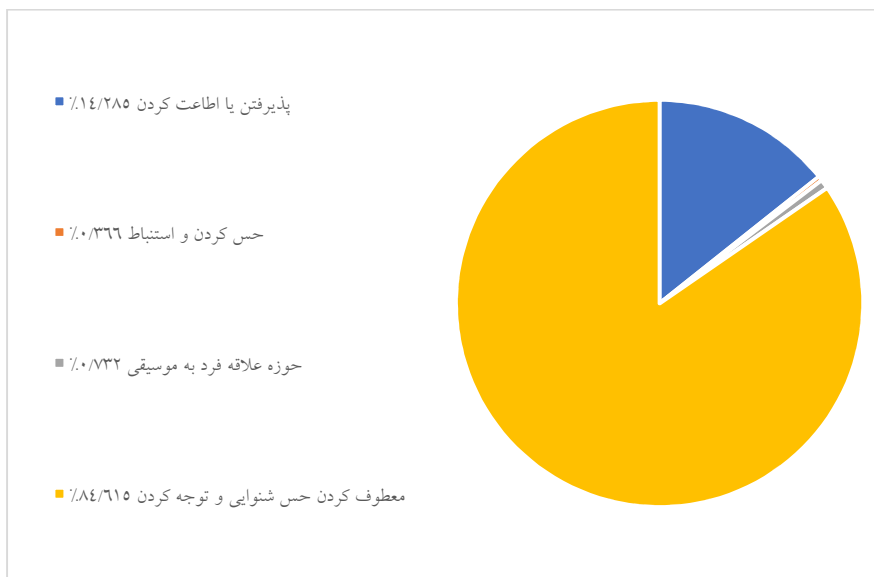
نمودار ۵ توزیع فراوانی معانی فعل گوش دادن در پیکره معاصر

از ۳ شاهد مثال قابل قبول از فعل گوش دادن در تمام پیکره تاریخی موارد زیر گزارش می شود:



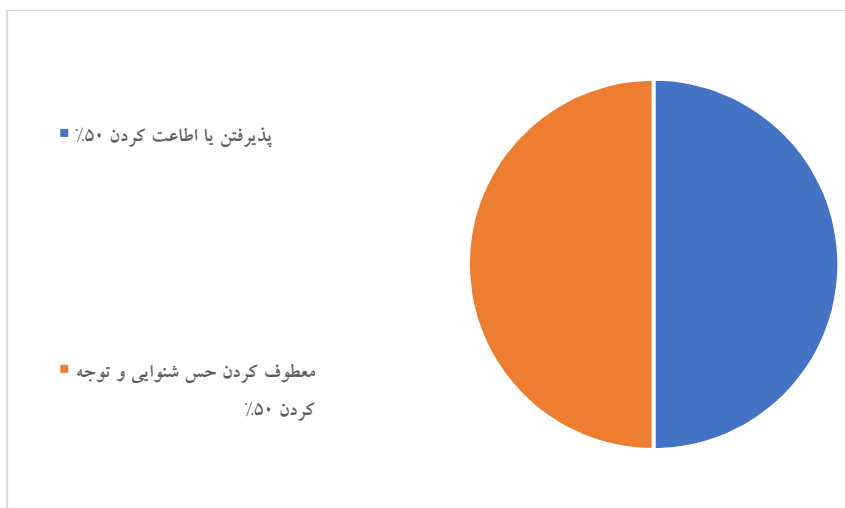
نمودار ۶ توزیع فراوانی معانی فعل گوش دادن در پیکره تاریخی

از ۱۳۰۰ نمونه استخراج شده از فعل "گوش کردن" در کل پیکره معاصر زبان فارسی، پس از حذف موارد غیرقابل قبول، و معانی اصطلاحی و کنایی، ۲۷۳ شاهد را انتخاب و بررسی کرده و به دقت برچسب گذاری کردیم. نمودار ۷ توزیع فراوانی معانی فعل گوش کردن در پیکره معاصر را نشان می دهد:



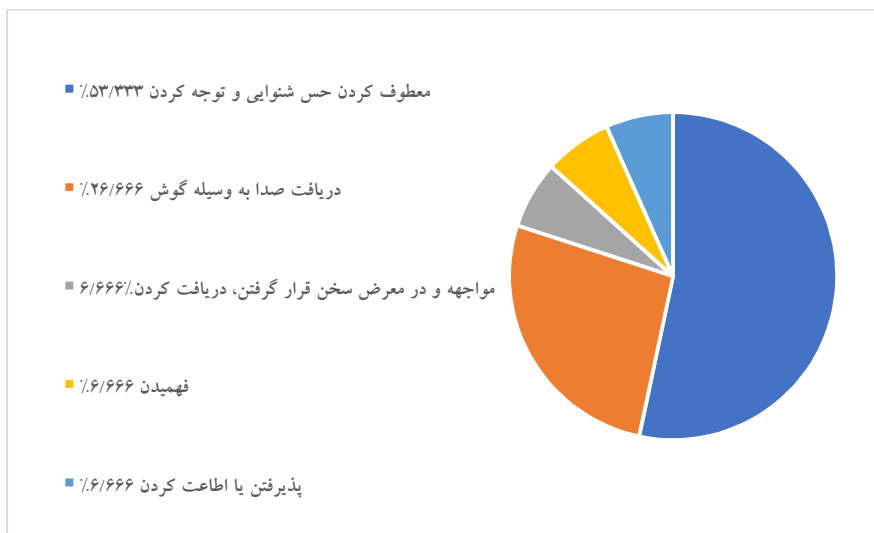
نمودار ۷ توزیع فراوانی معانی فعل گوش کردن در پیکره معاصر

در کل پیکره تاریخی از ۱۶ مثال قابل قبول از فعل گوش کردن برجسب‌های معنایی زیر استخراج شد. نمودار ۸ توزیع فراوانی معانی فعل گوش کردن در پیکره تاریخی را نشان می‌دهد:



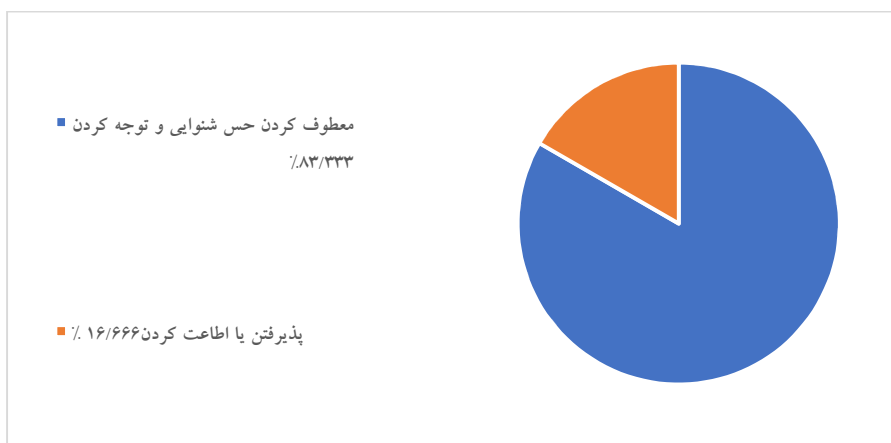
نمودار ۸ توزیع فراوانی معانی فعل گوش کردن در پیکره تاریخی

از ۱۵ مثال قابل قبول فعل نیوشیدن در تمام پیکره معاصر معانی زیر مشاهده شد. نمودار ۹ توزیع فراوانی معانی فعل نیوشیدن در پیکره معاصر را نشان می‌دهد:



نمودار ۹ توزیع فراوانی معانی فعل نیوشیدن در پیکره معاصر

از ۶ شاهد مثال قابل قبول فعل نیوشیدن در کل پیکره تاریخی برجسب‌های زیر یافت شدند. نمودار ۱۰ توزیع فراوانی معانی فعل نیوشیدن در پیکره تاریخی را جهت گزارش یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد:



نمودار ۱۰ توزیع فراوانی معانی فعل نیوشیدن در پیکره تاریخی

#### ۴. نتیجه‌گیری

این تحقیق به هدف حل مسئله کم‌وکاستی‌ها در فرهنگ‌های لغت موجود و کمک به آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبان انجام گرفت. در شرایطی که این اهداف تنها جنبه کاربردی این هدف را پوشش می‌دهند، ما به جنبه نظری تحقیق که ترسیم شبکه معنایی یک طبقه از افعال حسی، که افعال حوزه شنیدن است، پرداختیم. نکته درخور توجه آن است که پدیده چندمعنایی در طبقه افعال حسی در زبان‌های مختلف مشترک است و گاه این افعال گستره چندمعنایی مشابهی دارند. از این دستاورد با عنوان چندمعنایی نظام‌مند یاد می‌شود. بررسی چندمعنایی افعال حوزه شنیدن به عنوان یکی از افعال حسی در معنی‌شناسی از آن جهت حائز اهمیت است که نه تنها صرفاً در مورد این فرآیند اطلاعات فراوانی را به دست می‌دهد، بلکه نتایج مهمی در مورد شناخت و عملکرد حس شنوایی به همراه می‌آورد.

پس از بررسی افعال حوزه شنیدن در پیکره تاریخی، معانی مختلف به دست آمده در نمودار شبکه معنایی ترسیم شدند؛ به این صورت که نمودارها از معنی با بسامد بیشتر به معنی با بسامد کمتر به صورت ساعت‌گرد گسترش یافته‌اند. در زیر نمودار شبکه معنایی فعل شنیدن با برجسب "نقل قول" به عنوان پیش‌نمونه ترسیم شده است:



نمودار ۱۱ شبکه معنایی فعل شنیدن در پیکره تاریخی

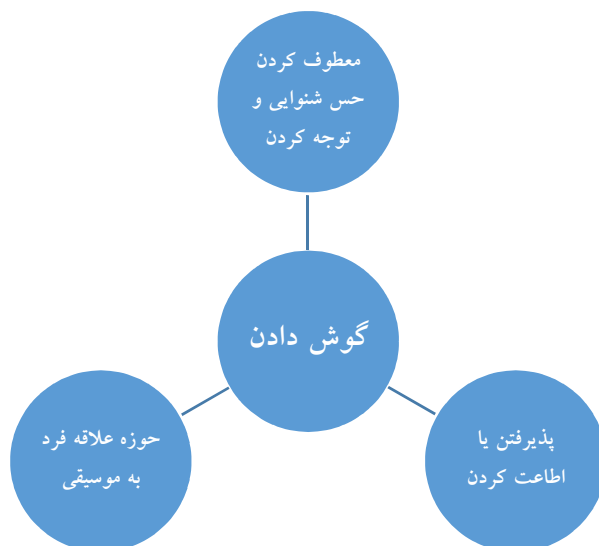
در پژوهش حاضر با استناد به پیکره زبان فارسی، به تفکیک معانی گوناگون فعل "شنیدن" پرداخته شد و نهایتاً شبکه معنایی فعل شنیدن در پیکره معاصر به صورت زیر ترسیم شد. لازم به ذکر است که این نمودار به صورت ساعت‌گرد از بیشترین بسامد به کمترین بسامد ترسیم شده است. به این معنا که برچسب‌ها از سمت پیش‌نمونه گسترش یافته‌اند.



نمودار 12 شبکه معنایی فعل شنیدن در پیکره معاصر

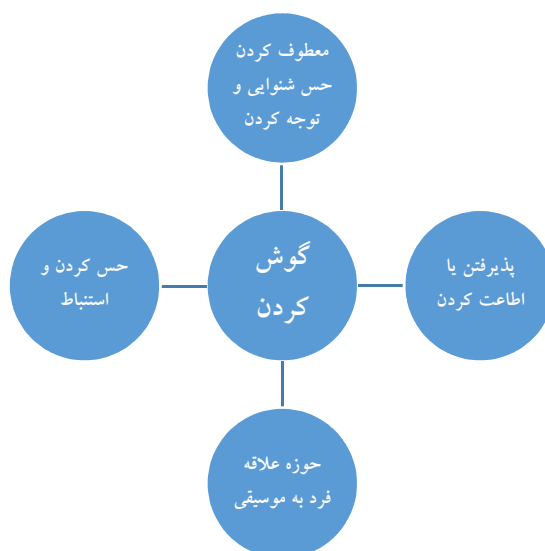
از ۱۹۲ شاهد مثال قابل تحلیل و قابل قبول برای فعل گوش دادن در پیکره معاصر برچسب‌های معنایی موجود در نمودار شبکه معنایی ترسیم شده در زیر، با حفظ نظم ساعت‌گرد بسامد بیشتر به بسامد کمتر، استخراج شده‌اند:





نمودار ۱۳ شبکه معنایی فعل گوش دادن در پیکره معاصر

از ۲۷۳ شاهد مثال قابل قبول برای فعل گوش کردن در پیکره معاصر برجسب‌های زیر استخراج شدند که در نمودار شبکه معنایی با حفظ نظم بسامد بیشتر به بسامد کمتر، به طور ساعت‌گرد ترسیم شده‌اند:



نمودار ۱۴ شبکه معنایی فعل گوش کردن در پیکره معاصر

در مورد فعل شنیدن معانی دریافت صدا به وسیله گوش، مطلع شدن، مواجهه و در معرض سخن قرار گرفتن و دریافت کردن، معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن، دریافت کردن پاسخ، حس کردن و استنباط، شنیدن ناسزا و حرف ناخوشایند و در پایان فهمیدن بین دو پیکره تاریخی و معاصر مشابه، اما دارای بسامد وقوع متفاوت هستند. برچسب‌های شنیدن تصادفی یا استراق سمع، آغاز باب سخن و تداعی صدایی که وجود ندارد برچسب‌های مختص پیکره معاصر هستند و برچسب‌های پذیرفتن یا اطاعت کردن، بوییدن و نقل قول مختص پیکره تاریخی هستند.

در مورد برچسب‌های مربوط به فعل گوش دادن می‌توان مشاهده کرد که در پیکره معاصر، برچسب "حوزه علاقه فرد به موسیقی" به دو برچسب "معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن" و "پذیرفتن یا اطاعت کردن" که در پیکره تاریخی موجود بودند، اضافه شده است. این موضوع در مورد فعل گوش کردن نیز صدق می‌کند. به‌علاوه در پیکره معاصر در مورد فعل گوش کردن برچسب "حس کردن و استنباط" را نیز مشاهده می‌کنیم. تشابه برچسب‌های دو فعل گوش دادن و گوش کردن می‌تواند حاکی از تفاوت سبکی کاربرد این دو فعل در زبان فارسی باشد.

در مورد فعل شنفتن در پیکره تاریخی تنها برچسب مطلع شدن یافت شد. در پیکره معاصر علاوه بر این مورد برچسب "مواجهه و در معرض سخن قرار گرفتن، دریافت کردن"، "دریافت صدا به وسیله گوش"، "پذیرفتن یا اطاعت کردن"، "معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن" و "بوییدن" یافت شد.

برچسب‌های معنایی به دست آمده برای فعل نیوشیدن در پیکره تاریخی شامل "پذیرفتن یا اطاعت کردن" و "معطوف کردن حس شنوایی و توجه کردن" است. در پیکره معاصر علاوه بر این برچسب‌ها برچسب‌های "دریافت صدا به وسیله گوش"، "مواجهه و در معرض سخن قرار گرفتن" و "فهمیدن" نیز یافت شدند.

## کتاب‌نامه

- افراشی، آزی‌تا. ۱۳۹۵. مبانی معناشناسی شناختی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افراشی، آزی‌تا و صامت، سجاد. ۱۳۹۳. "چندمعنایی نظام‌مند با رویکردی شناختی تحلیل چندمعنایی فعل حسی "شنیدن" در زبان فارسی". *ادب‌پژوهی*، دوره ۸، شماره ۳۰، ۲۹-۵۹.

- افراشی، آزیتا و عسگری، ساناز (۱۳۹۶) "چندمعنایی فعل حسی "دیدن" در زبان فارسی: پژوهشی شناختی و پیکره‌ای". *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، دوره ۷، شماره ۱۴، ۶۱-۷۳.
- انوری، حسن. ۱۳۸۱. فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- پورداد، افروز. کربلایی صادق، مهناز. ۱۳۹۲. بررسی رده‌شناسی دو مفهوم "خوردن" و "آشامیدن" در زبان فارسی. *رویکردی شناختی*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- حسن دوست، محمد. ۱۳۸۳. فرهنگ ریشه‌شناسی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دهخدا، علی اکبر و همکاران. ۱۳۲۵. *لغتنامه دهخدا*. تهران: سازمان لغتنامه.
- شهابی، شایا. ۱۳۹۱. طراحی و ساخت سیستم پردازش معنی پیکره‌بنیاد: رفع ابهام معنایی افعال حسی. کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران
- عاصی، مصطفی. ۱۳۸۲. "از پیکره زبانی تا زبان‌شناسی پیکره‌ای" در: مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی، ۱۳۸۲، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- عظیمی، آیدا. ۱۳۹۹. بررسی چندمعنایی افعال حوزه شنیدن در زبان فارسی: بررسی در زمانی، پیکره‌ای و شناختی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، به راهنمایی: آزیتا افراشی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فتحعلی، زهرا و افراشی، آزیتا. ۱۳۹۶. چندمعنایی فعل‌های حسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای به مطالعه افعال حوزه معنایی خوردن و آشامیدن در زبان فارسی. کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران.
- فیاضی، مریم. کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. گلفام، ارسلان. افراشی، آزیتا. آقا گل زاده، فردوس. ۱۳۸۷. خواستگاه استعاری افعال چندمعنا در زبان فارسی از منظر معنی‌شناسی شناختی". *ادب‌پژوهی*، دوره ۱، شماره ۶، ۱۷-۱۰۹.
- کریمی، طاهره. علامی، ذوالفقار. ۱۳۹۲. "استعاره‌های مفهومی در دیوان شمس بر مبنای کنش حسی خوردن". *نقد ادبی دانشگاه تربیت مدرس*، دوره ۶، شماره ۲۴، ۱۴۳-۱۶۸.
- گندمکار، راحله. ۱۳۹۵. "بررسی چندمعنایی فعل خوردن؛ نمونه‌ای از عدم کارآیی رده‌شناسی واژگان". *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء*، دوره ۸، شماره ۱۹، ۱۴۹-۱۶۷.
- مادرشاهیان، سارا. ۱۳۸۸. *بسط استعاری فعل‌های حسی و حوزه‌های واژگانی مرتبط در نگرش معناشناسی شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء، تهران.
- معین، محمد. ۱۳۵۰. فرهنگ معین. تهران: مازیار.
- منصوری، یدالله. ۱۳۹۴. فرهنگ ریشه‌شناسی افعال فارسی میانه. تهران: آوای خاور.

Baker, Paul, Andrew Hardie and Tony McEnery. 2006. A Glossary of Corpus Linguistics. Edinburg: Edinburgh University Press.

Dash, Niladri Serkhar. 2008. *Corpus Linguistics: An Introduction*. Delhi: Pearson Longman.

- Evans, Nicolas and David Wilkins. 2000, "In the Mind's Ear: the Semantic Extensions of Perception Verbs in Australian", *Language*, 76: 546-592.
- Goddard, Cliff. 1992. *Pitjantjatjara/Yankunytjatjara to English Dictionary: Revised Second Edition*. Iad Press.
- Ibarretxe-Antuñano, Iraide. 1997. "Smelling and Perception: A Cross-linguistic Study". *Cuadernos de filología inglesa*, (6)2, pp. 113-121.
- \_. 1999. *Polysemy and Metaphor in Perception Verbs: A Cross-Linguistic Study*. PhD Thesis, University of Edinburgh.
- Jakobi, Angelika & El-Shafie El-Guzuuli. 2013. "Perception Verbs and Their Semantics in Dongolawi (Nile Nubian)". In *Perception and cognition in language and culture*. Brill. pp. 193-215.
- Johnson, Mark. 1987. *The Body in the Mind: the Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason*. Chicago: University of Chicago Press.
- Kurath, Hans. 1921. *The Semantic Sources of the Words for the Emotions in Sanskrit, Greek, Latin and the Germanic Languages*. Menasha (WI): George Banta Publishing.
- Lakoff, George & Mark Johnson. 1980. *Metaphors We Live by*, Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, George. 1987. *Women, Fire and Dangerous things, What Categories Reveal about the Mind*. Chicago and London: Chicago University Press.
- López, Rojo A. M. & Javier Valenzuela. 2004. "Verbs of Sensory Perception: An English-Spanish comparison". *Languages in contrast*, 5(2), 219-243.
- Neagu, Mariana. 2013. "What is Universal and What is Language Specific in The Polysemy of Perception Verbs". In *Irina Necula* (ed.), *Revue roumaine de linguistique*, 58(3), 329-343.
- Newman, John. 1997. "Eating and drinking as Sources of Metaphor in English". *Cuadernos de Filología Inglesa*, 6(2), 213-231.
- Sweetser, Eve. 1990. *From Etymology to Pragmatics: Metaphorical and Cultural Aspects of Semantic Structure*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Taylor, John.R. 1995. *Linguistic Categorization. Prototypes in Linguistic Theory*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Traugott, Elizabeth Closs. 1986. "From Polysemy to Internal Semantic Reconstruction". *Annual Meeting of the Berkeley Linguistics Society*, Vol. 12, 539-550.
- Treis, Yvonne. 2010. "Perception Verbs and Taste Adjectives in Kambaata and beyond", in Anne Storch (ed.), *SUGIA – Sprache und Geschichte in Afrika*, 313-346.
- Vanhove, Martine. 2008. "Semantic Associations between Sensory Modalities, Prehension and Mental Perceptions". in: Martine Vanhove (ed.), *From polysemy to semantic change: Towards a typology of lexical semantic associations*, 341-370.
- Van Hoek, K. 1999. "Cognitive Linguistics". In Robert A. Wilson and Frank C. Keil (eds.): *The MIT Encyclopedia of the Cognitive Sciences*, 134, 135.
- Viberg, Ake. 1984. "The Verbs of Perception: A Typological Study". In B,
- Wierzbicka, Anna. 1994. "Semantic Universals and Primitive Thought: The Question of the Psychic Unity of Humankind". *Journal of Linguistic Anthropology*, 4(1), 23-49.

چندمعنایی افعال حوزه شنیدن در زبان فارسی ... ۲۹

نشانی پایگاه دادگان زبان فارسی:

<http://pldb.iics.ac.ir>